



«فرهیختگان» به بهانه صحبت‌های روز گذشته روحانی بررسی می‌کند

مدافعان کمک به صدام در مجلس سوم چه کسانی بودند؟

فرهیختگان صبح روز گذشته و پس از آنکه عربستان و امارات همراهی خود با دولت آمریکا در تحریم ایران و به صفر رساندن فروش نفت

را اعلام کردند، حسن روحانی در جمع اعضای هیات دولت به این اقدام واکنش نشان داد و با انتقاد از این همراهی به ذکر خاطره مهمی از دوران صدام و ایام درگیری او با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس پرداخت. روحانی در این جلسه به یادآوری اقدام ایران در مخالفت با حمله صدام به کویت پرداخت و متذکر شد اگر ایران به درخواست‌های مکرر صدام پاسخ منفی نمی‌داد، شاید امروز عربستان و اماراتی نبود. همین مساله بهانه‌ای شد تا «فرهیختگان» سراغ ماجرای روابط ایران با عربستان و امارات رفته و به صورت ویژه جریان حمله عراق به کویت و وقایع آن دوره را بازخوانی کند؛ دوره‌ای که در ایران حداقل دو نگاه متفاوت نسبت به وقایع منطقه وجود داشت؛ اول برخی مسئولان کشور مانند آیت‌الله خامنه‌ای و حجت‌الاسلام هاشمی که مخالف همراهی با صدام بودند و گروه دیگر برخی فعالان سیاسی و مسئولانی که معتقد بودند ایران باید با صدام در مقابل آمریکا ایستادگی کند. در ادامه شرحی از وقایع مرور خواهد شد.

صدام و هوس کشورگشایی

حدود دو سال بعد از خاتمه جنگ ایران و عراق و ناکامی صدام در اشغال تهران، بار دیگر هوس کشورگشایی به سر او زد و ارتش رژیم بعث این بار به کویت حمله‌ور شد؛ حمله‌ای که بیش از هر چیز ریشه در عدم موافقت کویت با بخشش بدهی‌های عراق در آن سال‌ها داشت. به‌دور صدام، جنگ ابواب ایران، در نهایت به سود کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تمام شد و آنها را از ناحیه خطر ایران بیمه کرد. همین تصور او را به این جمع‌بندی رسانده بود که کشورهای منطقه نیز باید در اقدامی متقابل، ضمن بخشش بدهی‌های عراق، با کاهش تولید نفت، فشار ابرای افزایش قیمت آن مهیا کنند تا با پول به‌دست آمده دست

مدافعان صدام در مجلس سوم!

با اینکه جنگ خلیج فارس تنها دو سال و چند ماه پس از پایان یافتن هشت سال جنگ تحمیلی ایران و عراق اتفاق افتاده بود، همزمان با حملات گسترده آمریکا و متحدانش به عراق، صدایی از مجلس شورای اسلامی مبنی بر اتحاد با صدام بلند شد! حسن روحانی که زمان اشغال کویت توسط عراق (سال ۶۹) نماینده و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس و همزمان دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، روز پنجم دی‌ماه (پیش از حمله آمریکا به عراق) در نطقی به صراحت گفت که یکی از اهداف عراق از این تجاوز ژاندارمی منطقه خلیج فارس و رهبری دنیای عرب بوده است و تأکید کرد: «خارجی‌ها و در راس آنها آمریکا هم که به این منطقه آمده‌اند، یکی از اهداف‌شان تسلط بر این منطقه است. آمریکایی‌ها قبلاً شاه را به‌عنوان ژاندارم در این منطقه نگه داشته بودند تا از منافع غرب و آمریکا پاسداری کند، به اصطلاح بعدها فکر کردند شاید عراق بتواند این وظیفه را انجام بدهد. اما امروز به این نتیجه رسیده‌اند که خودشان مستقیماً باید ژاندارمی منطقه را به عهده داشته باشند.» روحانی نیز اگرچه آن روز اشاره داشت که برای منطقه و دنیای اسلام نگ است در برابر این توطئه نایستد، ولی اظهاراتش بعد از آن نشان داد که به قول خودش به «بی‌طرفی فعال» معتقد است. جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که جزء چهره‌های جریان چپ آن زمان محسوب می‌شدند، با این استدلال که بعد از حمله عراق، آمریکا و متحدانش، این کشور را مورد اصابت قرار داده است، تأکید داشتند که ایران باید به دفاع از عراق برخیزد! این حمایت‌های رادیکال، بی‌اساس و بدون پشتوانه منطقی خوشبختانه در شورای امنیت ملی خریداری نداشت و در جلسه ۲۹ دی سال ۱۳۶۹ -سه روز پس از آغاز حمله آمریکا به منطقه- با حضور رهبر انقلاب (آیت‌الله خامنه‌ای) موضوع از جوانب مختلف سنجیده و در نهایت ایران بیانه‌ای بر اعلام بی‌طرفی در جنگ صادر کرد. البته خواستار بازگشت طرفین به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی و خروج نیروهای ائتلاف از منطقه نیز شد. با این حال آتش حمایت چپ‌های مجلس سوم از صدام چنان تند بود که فردای آن روز صحن علنی مجلس به صحنه اعتراض این نمایندگان نسبت به اعلام بی‌طرفی ایران تبدیل شد. این نمایندگان جناح چپ چنان رادیکال بودند که دشمنی هشت سال صدام را فراموش کرده‌ووی را به خالدبن ولید (از صحابی پیامبر که به سیف‌الله مسلول به معنی شمشیر کشیده خدا شهره بود) تشبیه کردند! در همین راستا علی اکبر محتشمی‌پور، نماینده تهران،

نظر رهبر انقلاب درمورد جنگ خلیج فارس

چهار روز پس از اعلام مصوبه شورای عالی امنیت ملی مبنی بر بی‌طرفی ایران، مقام معظم رهبری در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم طی سخنانی مهم، موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات منطقه را تبیین کردند.

آیت‌الله خامنه‌ای در این سخنرانی، به انتقاد شدید از حملات ارتش آمریکا نسبت به مردم بی‌دفاع عراق پرداختند و جنایت آمریکا علیه مردم بی‌دفاع عراق را جنایاتی عظیم خواندند که تا سال‌ها قابل جبران نیست و تأکید کردند: «شما اگر جنگ دارید، به میدان جنگ بروید؛ نیروهای نظامی در آنجا هستند، با

خبر

سردار سلامی: قلمرو اقتدارمان را از منطقه به جهان گسترش می‌دهیم



با بیان اینکه سپاه نعمت‌بزرگی است و مرکز رویش ارزش‌ها است، تصریح کرد: «در کشور ما مرکزی وجود ندارد که به اندازه سپاه در انتشار ارزش‌ها فعال باشد که نمونه بارز آن بسیج است.» وی گفت: «بسیج سرزمین تبلور و تجلی جوهر جوانان است و اینکه نایب امام زمان (عج) چغیه بسیجی را در جلسات رسمی به دوش خود می‌گذارد، نشان از تجلی فرهنگ بسیج است.»

پشت تریبون مجلس رفت و گفت: «چرا ملت ایران و ملت اسلام در سکوتی مرگبار به سر می‌برند؟ آیا ما وظیفه نداریم؟ آیا آمریکا خطری برای جهان اسلام نیست؟... جمهوری اسلامی و ملت مسلمان و انقلابی ایران با توجه به اصول و آرمان‌هایش از هر کشور دیگر اولی و احق است که در جهاد مقدس علیه آمریکا شرکت کند و به آرزوهای مقدس و الهی امام که خلیج فارس باید گورستان آمریکایی‌های متجاوز شود، جامه عمل بپوشاند.»

وی سپس با بیان اینکه متأسفانه ما صرفاً به یک ابزار تاسف‌اکتفا کرده‌ایم، تأکید کرد: «حوادث و بحران اخیر یادآور رویارویی و صف‌آرایی خالدبن ولید در برابر ابرقدرت‌های صدر اسلام است. او که عمری در صف کفر، شمشیر به روی پیامبر (ص) و مسلمانان کشید، ولی در نهایت فاتح بزرگی برای مسلمانان شد. امروز دنیای کفر در مقابل ملت مسلمان عراق و فلسطین به‌عنوان خاکریز اول قرار گرفته و به یقین خاکریز بعدی، انقلاب و ملت مسلمان ایران است، ما از چه می‌ترسیم؟ بگذار با عزت و شرف زندگی کنیم و بمیریم...» صادق خلخالی نیز این جنگ را جنگی صلیبی علیه مسلمان خواند و با تشبیه این جنگ به «نبردی قهرمانانه» تأکید داشت: «گذشته‌ها مساله دیگر است، جنگ ما با عراق یک مساله دیگر است. اینجا سرنوشت اسلام مطرح است. این برای ما ننگ است، برای ما عار است، اسلحه داریم، قدرت داریم، جوان داریم، بسیجی داریم... هیچ وقت تساهل در این مسائل جایز نیست.» هادی خامنه‌ای، دیگر نماینده وقت مجلس از جناح چپ نیز معتقد بود: «بسیار ساده‌اندیشی است که جریان حمله گسترده آمریکا و متحدانش به خلیج فارس را ناشی از تجاوز عراق به کویت بدانیم.» علی‌اکبر ناطق‌نوری از نمایندگانی بود که با ورود ایران به جنگ ابراز مخالفت کرد. او در نطق خود آمریکا را سلطه‌گری خواند که باید به‌زودی گور خود را از منطقه گم کند، با این حال تأکید داشت: «اما این را هم نباید پذیرفت که صدام حق است و دفاع از او دفاع از بیضه اسلام است. جنگ خلیج فارس نمی‌تواند جنگ اسلام و کفر باشد، چرا که ما معتقدیم باید جهاد تحت رهبری امام عادل باشد و ائمه طاهرین (ع) از رفتن به جنگ تحت پرچم خلفای غاصب منع می‌کردند. چقدر ساده‌اندیشی است اگر کسی تصور کند صدام ماهیت عوض کرده است.» با این حال آتش تندروی چپ‌های مجلس تند نبود و مصر روز ۳۰ دی‌ماه تظاهراتی در دفاع از دخالت نظامی ایران ترتیب دادند. تنها چند روز نطق له‌با علیه دفاع ایران از صدام ادامه داشت و در نهایت تدبیر رهبر انقلاب آتش این اختلاف نظر را خاموش کرد.

آنها بچنگید. چرا شما از اول اعلام می‌کنید ما ۱۰ روز می‌خواهیم جنگ هوایی بکنیم؟ جنگ هوایی یعنی چه؟ جنگ هوایی، یعنی انداختن بمب بر سر شهرها. به نظر من، عربان تر از این جنایتی که امروز آمریکا به کمک متحدان خودش -فرانسه و انگلیس و دیگران -انجام می‌دهد، وجود ندارد و تا آنجا که ما یادمان می‌آید، وجود نداشته است. وای بر بشریتی که همین جنایتکاران، پرچمداران حقوق بشر هم هستند! ایشان در عین حال، سخنان افرادی که ساز مخالف با موضع بی‌طرفی ایران را کوک کرده بودند، تقبیح و خاطرنشان کرد: «بعضی سعی می‌کنند کلمه بی‌طرفی را به معنای غلطی معنا کنند. ما از اول انقلاب، در جنگ بین شرق و غرب، بی‌طرف نبوده‌ایم. ما از اول انقلاب تا حالا، علیه شرق و غرب جنگیده‌ایم. مگر این طور نیست؟ شرق و غرب هم علیه ما متحد شده‌اند و جنگیده‌اند.

غرب بود؛ موضوعی که باعث شد کاخ سفید با ائتلافی از کشورهای شامل عربستان سعودی، کانادا، فرانسه، بریتانیا، مصر، قطر، سوریه و کویت به منطقه لشکرکشی کند و برای بیرون راندن ارتش عراق از کویت جنگی تمام‌عیار را رقم‌بزند که به جنگ خلیج فارس معروف شد. در همین فضا و در شرایطی که آتش جنگ زیر گوش ایران شعله‌ور شده بود، صداهایی در کشور بلند شد که چه‌نخستنه‌اید که باید به دفاع از صدام برویم! و گذشته‌ها گذشته و اکنون باید به فکر مصالح اسلام باشیم...» این در حالی بود که تنها دو سال از پایان جنگ تحمیلی می‌گذشت و هنوز داغ مردمی که عزیزان‌شان را در طول جنگ از دست داده بودند، تازه بود. بازسازی مناطق جنگی هنوز شروع نشده بود و بسیاری از هموطنان جنگ زده به شهرها و خانه‌هایشان بازنگشته بودند.

اگرچه مجموعه نظام در نهایت با این استدلال که درگیری نظامی شکل گرفته جنگ باطل علیه باطل است، بی‌طرفی جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد، اما طرح این موضوع در چنین شرایطی نوعی تحیر و البته خشم عمومی را نسبت به بانیان این ایده به وجود آورد و فضایی را رقم زد که تا چند سال بعد نیز دل جامعه با آنها صاف نشد؛ اتفاقی که از جناح اکثریت مجلس سوم، در انتخابات مجلس چهارم یک بارزنده تمام‌عیار ساخت و حتی نام‌های دهان‌پرکنی چون مهدی کروبی، موسوی خوئینی‌ها، محمدرضا توسلی، سیدعلی اکبر محتشمی‌پور، سیدعبد‌الواحد موسوی لاری و... در لیست انتخاباتی این جریان هم مردم را نسبت به اعتماد مجدد به آن متقاعد نکرد.

روایت روحانی

حسن روحانی که سال ۶۹ نماینده مجلس و دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، سال‌ها پیش در شرح ماجرای آن روز در گفت‌وگو با نشریه «نسیم بیداری» تأکید کرد: «در همین مجلس سوم که اکثریت در دست جناح چپ بود، وقتی شورای عالی امنیت ملی تصمیم گرفت در ائتلاف غرب علیه عراق بی‌طرف باشد، تندروها در مجلس شلوغ کردند و داد و فریاد به راه انداختند که چرا شورای عالی چنین تصمیمی گرفته است و ما باید از صدام طرفداری کنیم؛ زیرا می‌خواهد با آمریکا بجنگد. حتی یکی از نمایندگان مجلس او را با خالدبن ولید مقایسه کرد. البته تعداد آن افراد تندرو در مجلس کم بود و اتفاقاً من در آن جلسه حاضر بودم و عصبانی شدم و گفتم، اتوبوس دم در آماده است؛ هرکس می‌خواهد به صدام کمک کند، به بغداد برود! یعنی می‌گفتند از صدام که آنقدر در جنگ با ایران مرتکب جنایت شده و به کویت هم حمله کرده است، حمایت کنیم. درحالی که او اگر در کویت باقی می‌ماند و جلویش گرفته نمی‌شد، خطر بزرگی برای ما خواهد بود. اصلاً هم فکر نمی‌کردند که در صورت اعمال این سیاست، باید با ۳۰ کشور می‌جنگیدیم، در حالی که ما سیاست بی‌طرفی فعال را اتخاذ کردیم و با هوشیاری در صحنه حضور فعال داشتیم و اقدامات لازم را برای امنیت ملی کشورمان انجام دادیم و وارد درگیری نشدیم.»

روایت هاشمی‌رفسنجانی

هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت که یک‌سالی نیز بر کرسی ریاست مجلس سوم نشسته بود نیز فروردین ۹۳، در گفت‌وگو با روزنامه ایران، تندروی‌های جناح چپ را این‌گونه بازخوانی کرد: «وقتی جنگ تمام شد و دنبال سازندگی و بازسازی رقیم، عراق دستش از دستاوردهای جنگی خالی بود و به سرش زد که کشوری را اشغال کند. کویت را گرفت و آمریکایی‌ها آمدند که او را بزنند. در داخل کشور ما کسانی بودند که می‌گفتند صدام خالدبن ولید است و باید جنایت‌هایش را فراموش کنیم و با آمریکایی‌ها بجنگیم. پیچ خیلی خطرناکی بود. اگر می‌رفتیم همان شرایط عراق را پیدا می‌کردیم، ولی روحیه اعتدال به ما آموخت که وارد این ماجرا نشویم، حضور آمریکا را محکوم کردیم، اما در عمل هیچ کاری علیه آمریکا نکردیم.»

آن روزی که شرق و غرب هنوز با هم آشتی نکرده بودند و در دنیا شرق و غربی وجود داشت، شعار انقلاب ما «نه شرقی و نه غربی» بود؛ یعنی نفی هر دو و مخالفت با هر دو. این معنایش بی‌طرفی نیست. ما هرگز به نفع چپ، با راست دشمنی پیدا نمی‌کردیم... آنها به دلیل مادی بودن، با هم تعارض پیدا کرده‌اند. این‌طور نیست که یکی الهی و یکی هم مادی است. جنگ اسلام و کفر نیست. این، موضع ملت ایران ماست. «سخنرانی مقام معظم رهبری، به یکی از مهم‌ترین اختلافات سیاستمداران دو جناح چپ و راست آن زمان، پیرامون سیاست خارجی پایان بخشید، چنانکه دو روز بعد، ۱۵۰ تن از نمایندگان مجلس، با صدور بیانه‌ای از این مواضع دفاع کردند. اگرچه مواضع تند نمایندگان جناح چپ باعث شد آنها در رقابت انتخابات مجلس چهارم موفق به جلب نظر مردم نشوند.

در دیدار رئیس قوه قضائیه با مراجع چه گذشت؟



«باید با اقدام جهادی به این پرونده‌ها رسیدگی شود و وجود هزاران پرونده قضایی زینده جامعه اسلامی نیست. همچنین روند رسیدگی‌ها باید با سرعت باشد و از اطاله دادرسی جلوگیری شود.» وی با تأکید بر پیشگیری از وقوع جرایم اضافه کرد: «باید اقداماتی شود که زمینه برای وقوع جرم و تخلف وجود نداشته باشد. مردم باید طعم قضاوت صریح و سریع را با وجود جنابعالی در رأس دستگاه قضایی درک کنند.»